

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

دوکتور محمد اکبر یوسفی

۲۰۱۲ جون ۰۵

یادداشت های مقدماتی در باره فرهنگ هزاره!

(بخش پنجم)

پس منظر جغرافیایی:

هزاره جات یک منطقه کوهستانی است. سلسله کوه های بزرگ در ماحول آن به مشاهده می رسد، که بعضی از قله

های آنها الی ۵۰۰۰ متر

ارتفاع نشان می دهند.

سلسله کوه هندوکش و کوه.

بابا در جمله محسوب می

گردند. با معلومات قبلی که

این محققین در باره

«ایتنی» هزاره ارائه داشته

اند، این گروه اجتماعی

در سراسر کشور زندگی

داشته، تراکم در این منطقه،

Nr. 5

23



Fig. 8. Square mud hut ('kota') with flat branch roof and an attached branch sun-shelter supported by poles in front of the 'kota'. This hut is erected on a fallow field and is used as a summer habitation; beside it are seen two movable 'wattled' branch 'huts' ('aghil') for the sheep and goats. (Bāgh, Shahrīstān, July 1954 by K. F.).

یعنی «هزاره جات»، به طور مقایسه ئی بیشتر گزارش گردیده است. در این ساحه همچنان ساحاتی به نظر می رسد

که در اثر آب باران و سیلاب ها، تخریب شده ولی به شکل سطوح مرتفع هموار نیز به نظر می رسد. در جمله از

«بیسود» (قریب ۲۸۰۰ الی ۳۰۰۰ متر) نام برده می شود، در عین حال از دره ها و وادی ها با خندق ها و دهانه

ها یاد آوری گردیده است. جریان دریا ها، کنج و کنار را قطع و مساحات دیگری به وجود می آورند. از چنین وادی

ها در «شهرستان» که به عنوان «قول؟» (H. 'qol') یاد شده است، تذکار یافته است.

در جای دیگر از ساحات وادی نعامیقتر و سر سبزی ها را، با نشیب و فراز در «دایزنگی» مشاهده می نمایند.

در مجموع برای هر منطقه، خصوصیات به خصوص را توصیف نموده اند.

هزارجات باز هم خصوصیت، جلگه وسیع بدون درخت و یا تپه ها (Steppe) را، با روئیدن غنی نباتات، به خود گرفته است. تصویر فوق که «کوته» ('kota') (تصویر ۸-) یاد شده، در تابستان از آن، برای محافظت از شدت آفتاب کار می گیرند. البته در بعضی محلات موجودیت درخت های «پسته» و «خنجک» را نیز مشاهده نموده اند. زمستان هزاره جات سخت و پر برف یاد شده است، که در مناطق مرکزی و شمال مرکزی، به قطع ارتباطات می انجامد. (ص، ۲۴)

این چپر ها را قابل انتقال گزارش می دهند، که برای نگهداری بز و گوسفند به کار برده می شوند. عکاسی از «شهرستان» یاد شده است. (در ماه جولای ۱۹۵۴، در یک باغ شهرستان توسط K. F. عکاسی شده است.) (تصویر شماره ۹، را «اگیل» ('Aghil')، یاد کرده اند.) از این نمونه چپری ها در شهرستان برای محافظت بز و گوسفند استفاده می نمایند

مسکن و بود باش:

هزاره جات نسبت به خصوصیات طبیعی آن، ساحه ایست، با نفوس متراکم. بر حسب این گزارش، عملاً هر قطعه زمین قابل استفاده، تحت کشت و آبیاری در آورده شده است. دهات معمولاً در کنار کشت ها موقعیت می داشته باشند. و در وادی ها، زیادت در سطوح پائین محفوظ از برف کوچ، سکونت اختیار می نمایند. در سطوح مرتفع، خانه ها به صورت عموم متصل به هم اعمار گردیده اند. خانه ها به شکل مربعی و بامهای هموار، از سنگ و گل آباد شده اند. ... تسخین با شیوه قدیم صورت می گیرد. خانم ها بنابر همین گزارش، کاه و سرگین گاو را گد خشک می کنند و به نام «چلمه» ('chalma' H.) یاد می کنند و می سوزانند. در عین زمان اطفال، مواد سوخت را از هر جهت جمع آوری نموده، به شانه انتقال می دهند. (ص، ۲۵/۲۶). ... خانه های نشیمن معمولاً از یک اطاق تشکیل یافته، در داخل آن، محل سوخت مواد حامل انرژی واقع بوده، جائیکه آتش می کنند، آنرا «دیدگو» ('dedgo' H.)، می نامند. در محلات غیر هزاره نشین «دیگدون» یا «دیگدان» یاد می شود.... از محلی که دود، خارج می شود، «موری» ('mori') می نامند. در محلات دیگر نیز چنین یاد می شود. در همین گزارش از انواع چراغ های تیلی، یا روغن های نباتی، چون روغن خنجک، نام برده شده است، که در مناطق کوهستانی مرزی، چون غور و «شهرک» و سایر هزاره جات، عمومیت دارد.

گزرشگر می نویسد، که باشندگان مناطق واقع در سطوح مرتفع، نظیر «دایزنگی، بیسود» و غیره، در تمام سال، در دهات آنها به سر می برند ولی از مناطق پائین تر، در فصل تابستان، برای چند ماه از منطقه، دور می روند و در فصل زمستان دوباره بر می گردند. در «جاغوری» و «شهرستان»، «چهارچوبی» ('charchubi' H.)، می ساخته اند که، در آن برای خشک نمودن سرگین کار می گرفته اند. همچنان در مناطق کوهستانی، «شبر» - «غوربند» و «بامیان»، از اصطلاح «مناه؟» ('mana' H.)، کار می گیرند.

در همین گزارش همچنان تذکرمی دهند، که در مناطق غوربند، شبر و بامیان، باشندگانی را دیده اند، که به جای زندگی در خانه های گلی و سنگی، در تابستان، در وسط وادی های آزاد، زیر خیمه زندگی دارند. در همان مناطق همچنان از کشت گندم «للمی» نیز یاد نموده اند.

در این محلات همچنان از بود و باش در سرپناه های، خیمه «یورت» مانند، حکایت نموده اند. ساختمان داخلی را متفاوت دیده اند. نباید از نظر دور داشت، که محققین متمایل بوده اند، تا اصطلاحات زبانی را جمع آوری نمایند. چنانچه قبلاً هم سؤالی در غرب مطرح بوده است، که آیا زبان «هزاره گی»، زبان مستقل است و یا خیر، در نهایت

هر آنچه شنیده بودند، «پارسی» تشخیص نموده بودند. خلاصه این که، آثار مشهود، پیوند زبان «هزاره گی» را با زبان «منگول» قدیم، به وضاحت نیافته اند. تا اکنون همه این کلمات، در پرچمن، گلستان و سایر نقاط غورات، در بین جمعیت های غیر «هزاره» هم به کار برده می شود.

به طور مثال در تشریح انواع «چپری» ها و یا «یورت» و غژدی» از اصطلاح «اچه» ('acha')، نام برده اند. چنین اصطلاح در تمام مناطق، به کار می رود. چنین یک چوب مقاوم است که در قسمت فوقانی دو شاخه ئی باشد و به طور عمودی نقش تکیه مقاوم، برای شاخه درخت و یا خیمه و غژدی، داشته باشد. به همین ترتیب «چپر» و «چپری»، از شاخه های باریک «بادام» کوهی و سائر، چوب های نرم انحنای پذیر، می بافند، قابل انتقال بوده، همه باشندگان مناطق کوهستانی و دهات از آن، به اهداف گوناگون کار می گیرند. این چنین وسایل، تنها در انحصار «کلتور» هزاره و یا «ایماق» شناخته نمی شود. طوری که قبلاً نیز تذکار یافته است، «چپر» ایماق، را خیلی مشابه با «یورت» یاد نموده اند. هردو شکل دایروی و در وسط عمودی و دارای محور ها دیده می شود. در عین زمان می نویسند، که قطب مرکزی خیمه، اغلباً وجود نمی داشته باشد. (همانند «چپری» های اکثریت هزاره ها (۱) در شمال) در بخش های قبلی نمونه آنرا، در بخش «فیروز کوهی» ها نشان دادیم.

قابل تذکر است که این محققان خارجی، قسمت شمال هزاره نشین را کمتر مسکون می دانند. بین آنها «یورت»، «خرگاه» ('kherga') و «چپری» هم موارد استعمال داشته، قابل انتقال می باشند. همین ناظران، از شباهت نزدیک میان «چپر»، چهار – ایماق و هزاره سخن گفته اند. مساحت و سطحی را دایروی دیده اند. ولی باز هم در ساختار داخلی در هر دو گروپ اجتماعی تفاوت هائی را مشاهده نموده اند. به هر صورت، «چپر»، چهار – ایماق را بیشتر با «یورت» نزدیک می دانند. هردو را به شکل دایروی می دانند، که در محور های عمودی مشابه اند، اما «قطب مرکزی» خیمه اکثراً وجود نمی داشته باشد. چنین حالت را هم در «چپری» های هزاره ها در سمت شمال مشاهده نموده اند. تغییرات بین «چپری» و «یورت» را یکنوعی از «تکامل» دانسته اند، ممکن اقلیم هم بر ساختار بیرونی و درونی، این نوع «کلبه» ها، اثر داشته بوده باشد.

این دو نوع مسکن را از زمانه های قدیم پهلوی هم موجود می دانند. به مرور زمان در روند تاریخ به شکل «چپر» تبدیل گردیده است. لیکن «چپر» را احتمالاً قدیمی تر از «یورت» می دانند. لیکن در عین زمان از اظهارات اضافی، بدون انجام تحقیقات لازم در دیگر بخش های زندگی اقوام افغانستان، و همسایگان (۲) آن خود داری نموده اند.

در لایه لای گزارشات نویسندگان، می خوانیم که در بعضی مناطق چون غوربند و بامیان زیست در «یورت» را در تمام سال یا وقت طولانی از بین برداشته اند، به نسبت آن که ضروری نمی دانند و یا این که قیمتی می شمارند. به جای این «کلبه» های سیار، خانه های ثابت اعمار نموده، مسکن گزینی اختیار نموده اند. بعضاً زندگی در یورت را با زحمت و با مصرف دانسته اند. ضمن تبصره ها، در باره «چپر» هزاره ها، می نویسند که آنها، به آن نه به عنوان یک اختراع نو نه هم به عنوان دوباره ایجاد می نگرند. نمونه هائی را که دیده اند، خیلی ثابت شناخته اند، علوتاً شباهت ها را با «ایماق» های شمال رد می کنند. متذکر می شوند که در بخش «ایماق» ها، استعمال هر دو نوع را خیلی اختصاصی دیده اند. «خرگاه» ('kherga')، به شیوه بسیار پاک، برای مهمان تخصیص یافته است. «چپر» یکنوع آشپزخانه و همچنان شبانگاه، به حیث محل نگهداری حیوانات به کار می رود. در فصل زمستان، غژدی های سائر کوچی ها، به حیث محل زیست انسانها و حیوانات مورد استفاده قرار می گیرد.

در مناطق دیگر «هزاره نشین» شمال چون «کاه مرد» (Kahmard)، «سیغان» (Saighan)، «دو آب» (Doab)، «دوشی» (Doshi) و منطقه «غوری» (Ghori)، از عدم موجودیت ستون یا پایه چوبی وسطی در «یورت» یا

«چپر»، نام می برد. این ناظران خارجی با دقت کامل، با تمام جزئیات وسایل روزمره را، یاد کرده اند. در حالی که به عنوان مثال، انواع گهواره، برای اطفال در سراسر کشور، به مشاهده می رسد، در این مشاهدات خود، یک نوع آن را عکاسی نموده از نظر گذرانده ایم.

گهواره ها در همه مناطق کشور افغانستان طوری که در فوق نیز تذکر داده ام، متفاوت می باشد. حتی در مناطق مختلف پشتون نشین، اشکال مختلف را می توان مشاهد نمود. پشتون ها عمدتاً نوعی از آن را «زانگو» می نامند. در محلاتی که، خانه های مسکونی چوب پوش مسطح یعنی با بام هموار اعمار شده اند، این «زانگو» را در وسط خانه آویزان نموده، طفل را گاز می دهند. در فصل تابستان در دهات و دره ها، بیشتر، روز را زیر سایه درخت می گذرانند، چنین «زانگو» را، در شاخه های درخت می بندند. چنین طریقه با کمی تفاوت در جنگل های امریکای لاتین و یا در حیات روزمره، «اندییانر» نیز مشاهده شده است. بناءً نباید، تفاوت زندگی را در چنین جزئیات دید. ممکن یک گهواره در بدخشان و یا تخار، نسبت به همچو وسیله در کابل فرق داشته باشد. چنین تفاوت ها، دلیل تنوع «ملی» را به بار آورده نمی تواند.

فعالیت های روزمره:

به علت اقلیم و آب و هوا، فعالیت های اساسی « هزاره ها» در تابستان و تیرماه محدود شناخته شده است. در زمستان داخل خانه ها با کار کم به سر می برند. خانمها غذای دو مرتبه در روز را یک مرتبه تهیه می کنند. مرد ها امور مهم را انجام می دهند. به حیوانات خوراکه تهیه می کنند و در روز های آفتابی، حیوانات را از تبیله ها [طوبله] بیرون می برند. در زمستان طبق گزارش حیوانات شیر نمی دهند. همین گزارشگران یک چهره نمونه ئی هزاره را چنین معرفی می نمایند:

طبق معمول می نویسند که در زمستان، بامها و راه های دخول به خانه ها، باید از برف پاک شوند، در غیر آن زندگی در بیرون محدود می باشد. هیچ نوع سفر انجام نمی گیرد، حتی اگر مرگ و میر، واقع گردد، بردن میت به محل مناسب برای تدفین، هم دشوار است. در آغاز زمستان، مردها، خارج از دهات، برای شکار گوسفند های کوهی، به کوه ها می روند.

در همین گزارش منتشر شده، در رساله می نویسند، وقتی از مرد ها، پرسیده اند که در زمستان، چه می کنند، جواب داده اند: «هیچ می خوریم و می خوابیم». ایماق ها در زمستان از طریق «سوراخ های یخ» در دریای هریرود ماهی می گیرند. اما هزاره ها در زمستان ماهی نمی گیرند. در عین زمان تذکر می دهند که ماهیگیری در هزاره جات کمیاب است. فعالیت های زیاد هزاره ها را در تابستان و تیرماه نام داده اند. از کار آنها برای کشت گندم در فصل زمستان و بهار نام برده اند.

محصولات و خرمن در هر سال گزارش گردیده است. کشت آبیاری در افغانستان خیلی مهم شمرده می شود، لیکن در دیگر نقاط کشور با این مشکلات مانند آنچه که هزاره ها، با آن روبرو اند، دیده نمی شود. در عین زمان می نویسند، که مسیر دریا های کوچک را به سادگی، برای آبیاری تغییر می دهند، اما از دریا های بزرگ چون هلمند و یا «کچ رود»، خیلی کم استفاده می توانند.

- (۱) - «چپری های جمشیدی که در ترکمنستان زندگی دارند، از جانب «ای. گی. هافربرگ» (E. G. Hafferberg)
- (۲) - «محلات مسکونی عنعنه ئی دیگر ترجیح داده شده، همچنان در همین ساحه به مشاهده رسیده است. در صف تاجیک ها در اطراف، «کوالیان» ('Kaolian') («ان. ای. از بیلچیراغ» (N.E. of 'Belchiragh') و در شرق «تخت میرزا» ('Takht-i-Mirza') (در جنوب سر پل) توسط «لینارت ایدلبرگ» (Lennart Edelberg) که در جولای ۱۹۵۳ آمده بود، گزارش گردیده است. »

ادامه دارد...

25.05.2012